

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

گزارشگر: فریبا امیر خیزی
۱۳ مارچ ۲۰۱۹

گزارشی از سومین روز راهپیمایی سه‌روزه کارزار زنان در بروکسل ۸ مارچ ۲۰۱۹



بالاخره روز ۸ مارچ فرارسید؛ و فعالان کارزار زنان که همراه با حامیان کارزار دو روز مبارزاتی را در شهرهای هامبورگ و دن‌هاگ پشت سر گذاشته بودند نیز خود را به بروکسل رساندند. قطعاً دو روز راهپیمایی خصوصاً در هوای نامساعد در هالند و ساعت‌ها جابه‌جایی بین سه کشور به لحاظ جسمی خسته‌کننده بود اما هر چه بیشتر زمان می‌گذشت بیشتر باهم آشنا می‌شدیم و از یکدیگر نیرو و انرژی می‌گرفتیم. خصوصاً این‌که برخی از دوستان نیز بعد از راهپیمایی متحدان در دن‌هاگ با ما همراه شدند و با جمع بزرگتری، پاسی از شب گذشته، وارد بروکسل شدیم. صبح روز هشتم مارچ، زود، اما پرانرژی آغاز شد. چون تعداد برنامه‌های تعیین‌شده در بلجیم زیاد بود هرکدام کاری را به عهده گرفتیم. برخی عازم تدارک جشن شب شدند، برخی مصالح مبارزاتی تظاهرات را آماده می‌کردند، دوستانی وظیفه هماهنگی و جابه‌جایی فعالان کارزار را به عهده گرفتند و ... اولین گروه حدود ساعت ۱۲ در سنترال استیشن حاضر شدند و دوستانی که از طریق فراخوان کارزار با ما تماس داشتند از گنت، آخن، کلن و پاریس و ... به ما

پیوستند. دلیل حضور ما در این محل این بود که از یک طرف ما به عنوان بخشی از اولین اعتصاب سراسری زنان در بلجیم می‌خواستیم در مرکز تجمع زنان اعتصابی حاضر باشیم و از طرف دیگر زنان «کلکتیو ۸ مارچ» هم از ما دعوت کرده بودند که در مورد روند راهپیمایی سه‌روزه و اهداف کارزار صحبت کنیم. بنرها، پلاکاردها و استیکرهای مان از همان دقایق اول توجه حاضران و رسانه‌ها را جلب کرد. چون فعالان کارزار در بلجیم بخشی از تدارک این اعتصاب بودند اکثریت حاضران با موضوع «چهلین سالگرد مبارزات زنان ایران علیه حجاب اجباری» آشنایی داشتند مضافاً این‌که رادیوی سراسری بلجیم همان روز و برخی رسانه‌ها مصاحبه‌هایی با فعالان کارزار را پخش کرده بودند؛ و حاضران در مورد کم و کیف تظاهرات در دو کشور قبلی سؤال می‌کردند. ساعت ۱۳ طبق برنامه قبلی به فعالان کارزار فرصت صحبت داده شد. بنر کارزار را که روی آن تصویر زیبا و خلاقانه‌ای از «تظاهرات زنان سال ۵۷ در پیوند با مبارزات زنان خیابان انقلاب» نقاشی شده بود و شعار «حجاب اجباری مرکز خشونت دولتی علیه زنان در ایران است!» نقش بسته بود روی پویم بردند و یکی از فعالان کارزار خیلی کوتاه در مورد خاستگاه این راهپیمایی، چهلین سالگرد مبارزات زنان ایران ... ضرورت مبارزه با بنیادگرایی مذهبی و دخالت خارجی، موقعیت امروز زنان ایران، ضرورت پیوند مبارزات زنان ایران با مبارزات جهانی زنان علیه سیستم مردسالار طبقاتی و ضرورت همبستگی جهانی صحبت کرد. او در پایان این پیام اعلام کرد: «ما از شما می‌خواهیم صدای زنان ایران را تقویت کنید و امیدواریم که پرچم مبارزات زنان ایران علیه حجاب اجباری و سایر اشکال ستم را در دستان شما ببینیم!» و ... این صحبت کوتاه مورد استقبال و تشویق حاضران قرار گرفت و برخی از این زنان با ما همراه شدند تا خودمان را به مقابل سفارت جمهوری اسلامی برسانیم.

شور و شعف مبارزاتی اما در اتوبوس‌مان هم منعکس بود. برخی پلاکاردهای کارزار را پشت شیشه‌ها گذاشته بودند تا از این طریق توجه مردم را جلب کنند. برخی سرود می‌خواندند و عده‌ای در حال سازمان‌دهی ملزومات مبارزات بعدی بودند. دوستانی که تازه وارد جمع شده بودند را بیشتر در جریان اهداف کارزار می‌گذاشتیم و سرودی که روز قبل در همین اتوبوس در مسیر سفر از هامبورگ به دنهاگ با خلاقیت هنری دو نفر از دوستان کارزار متولد شده بود تمرین می‌کردیم.

وقتی به مقابل سفارت رسیدیم خبردار شدیم که ماشین حامل سیستم صوتی به علت بیماری دختر راننده (زنی که قرار بود در همبستگی کامل با جنبش زنان ایران در این روز ماشین سندیکا را برایمان براند) نمی‌تواند در محل حاضر باشد. هرچقدر درک شرایط یک مادر تنها با کودکی بیمار سهل بود اما رفع مشکل تکنیکی مشکل می‌نمود. در نهایت با امکانات موجود کار را پیش بردیم. بنرها و پلاکاردها را نصب کردیم. بنر اصلی کارزار در کنار بنر «سرنگون باد جمهوری اسلامی!» نصب شد و بنر «نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم!» هم طبق روال این چند روز در کنارشان قرار گرفت؛ پرچمی که شعار روی آن تلفیقی از نام‌های بیش از چهار هزار زندانی اعدامی تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بود که با فرم گرافیکی به شکل شعار درآمده بود.

کمکم حامیان بین‌المللی و دوستانی از بلجیم، آلمان، فرانسه و ... هم به ما پیوستند و جمعیتی بیش از ۳۰۰ نفر در محل حاضر بود. فعالان کارزار پلاکاردها و دستمال‌گردن‌های مبارزاتی و ... را بین جمعیت پخش کردند و برنامه با شعارهایی علیه دولت ضد زن جمهوری اسلامی شروع شد. زمان محدود بود و ما مجبور بودیم میکروفون را صرفاً در اختیار نمایندگان متحدین بین‌المللی‌مان قرار دهیم تا بسیار کوتاه دلیل حضور و همبستگی‌شان با جنبش زنان ایران را بیان کنند. نمایندگان از «مارش جهانی زنان»، «چپ ضد سرمایه‌داری»، «کمپین رزا»، «کمک سرخ»، «اتحادیه زنان سوسیالیست»، «جنبش زنان کرد» پیام‌های کوتاهی دادند. در اکثر این پیام‌ها اهمیت چهل سال مبارزه زنان ایران

و ضرورت همبستگی جنبش جهانی زنان اشاره شد (این پیام‌ها بزودی در سایت کارزار درج می‌شوند)؛ اما مهمترین موفقیت سیاسی ما این بود که متحدان مان بروشنی و بدون تزلزل از مبارزه زنان ایران علیه حجاب اجباری (و سایر اشکال ستم)، علیه بنیادگرایی اسلامی و دخالت خارجی حمایت می‌کردند و این‌یکی از دستاوردهای تدارک سیاسی ما با این جریانات سیاسی بود. در این بین «شکیب مصدق» خواننده مبارز افغان که در همبستگی در محل تظاهرات حاضر شده بود، نیز با خواندن آهنگ «شاید جهان بهتر شود!» جمعیت را با فریاد برابری طلبی زنان سراسر جهان همراه کرد. هرچند کمبود فنی اجازه نمی‌داد تا تمام کیفیت اجرای زیبای شکیب را در محل تظاهرات داشته باشیم اما کلام آتشین و حضور شکیب صدای دادخواهی زنان افغانستان را نیز بازتاب می‌داد؛ البته در انتها شکیب مصرع «شاید جهان بهتر شود» را به «باید جهان بهتر شود!» تغییر داد که با تشویق حضار همراه بود. در این برنامه همچنین یکی از زنان افغانستان از سازمان زنان هشت مارچ (ایران - افغانستان) صحبت کوتاهی در مورد شرایط زنان افغانستان داشت. در انتها یکی از فعالان کارزار زنان پیامی از طرف کارزار قرائت کرد. او که در اثر سه روز راهپیمایی صدایش گرفته بود با تمام وجود و استقامت این پیام را به پایان برد. فعالان کارزار و حاضران با همخوانی ترانه «آتش بزن به روسی!» که در مسیر همین راهپیمایی متولد شده بود، اکسیون مبارزاتی را به پایان بردند.

پس از پایان اکسیون در مقابل سفارت ایران، شعارگویان حرکت کردیم تا راهپیمایی سمبولیکی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی داشته باشیم. جمعیت ضمن دادن شعار سرنگونی جمهوری اسلامی، همبستگی جنبش‌های اجتماعی و خواست آزادی زندانیان سیاسی و ... با شعار «ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم!» و «حق زن، نه شرقی، نه غربی، جهانی‌ست!» یاد تظاهرات پرشکوه و جسورانه زنان سال ۵۷ را زنده کرد.

بار دیگر سوار بر اتوبوس‌ها شده و ساعت ۱۶ خودمان را به مقابل سفارت امریکا رساندیم. این حرکت سمبولیک به لحاظ سیاسی برای ما بسیار اهمیت داشت. می‌خواستیم نفرت عمیق زنان و مردم ایران را از هرگونه دخالت‌گری رژیم فاشیستی ترمپ نشان دهیم. نشان دهیم که زنان ایران در راه رهایی صرفاً به مبارزات خودشان اتکاء دارند و حقوق‌شان را از هیچ قدرت ارتجاعی مردسالاری طلب نمی‌کنند. در این محل شعار مرکزی ما این بود: «نه به نام ما!»؛ همچنین «هی‌هی! هو هو! ترمپ و پنس باید بروند!»، «نه ترمپ، نه پنس! تنها راحل انقلاب!»، «نه به فاشیسم!»، «امریکا بیرون از خاورمیانه!»، «امریکا بیرون از عراق و افغانستان!» ... در این بخش یکی از فعالان کارزار پیام کارزار را قرائت کرد و فرخنده زن افغان نیز پیامی قرائت کرد که وضعیت زنان افغانستان و تأثیرات حمله نظامی امریکا را بازتاب می‌داد.

ساعت ۱۷ جمع فعالان کارزار به تجمع اولیه برای تظاهرات روز جهانی زن در بلجیم پیوست. جمعیت زیادی که در قیاس با سال‌های پیشین و در ابعاد بلجیم بی‌نظیر بود؛ تنوع و رنگارنگی نیروهای سیاسی، شور و شوق و خلاقیت‌ها بسیار زیاد بود و منتظر ورود صف کارزار بودند. با حضور ما و پیام خوش‌آمد به‌صف راهپیمایی سه‌روزه یک سرود جمعی خواندیم و با شعار «همبستگی جهانی زنان!» راهپیمایی آغاز شد. به‌قدری جمعیت زیاد بود که ما برای این‌که خودمان را به اول صف برسانیم زمان زیادی صرف شد. بنر مارش جهانی زنان که فراخوان دهنده این تظاهرات بود در ابتدای این صف قرار داشت و بنر کارزار هم به فاصله کمی قرار داشت تا مبارزات چهل‌ساله زنان ایران علیه حجاب اجباری برجسته شود. ما هم با پلاکاردهایی که روی خواسته‌های جنبش زنان در ایران تمرکز داشت (به زبان‌های فارسی، فرانسه و انگلیسی و هالندی) همراه شدیم. قرار گرفتن شعارهایی چون «نه به حجاب اجباری!»، «حق حضانت!»، «حق سقط‌جنین!»، «حق طلاق!»، «حق کار!»، «دست مذهب از زندگی زنان کوتاه!» و ... در کنار شعار «بدن من حق من است، نه هیچ دولت، نه هیچ مذهب و نه هیچ فردی!»، «مبارزه زنان ملی نیست، جهانی است!»،

«زندهباد انقلاب!» و ... نشان می‌داد که زنان در ایران چه راه سختی را برای مبارزه برای اولیه‌ترین حقوق‌شان تا برابری و تا رهائی کامل در پیش دارند. همچنین شعارهایی چون «کرد، ترک، عرب، بلوچ متحد علیه جمهوری اسلامی!»، «زندهباد همبستگی جهانی!»، «نه به اعدام!»، «مرگ بر جمهوری اسلامی!»، «نه به نام ما!» و ... هم نشان از پیوند و در هم تنیدگی این مبارزه زنان با سایر مبارزات جاری در ایران و جهان داشت. با صف بیش از ۱۵۰۰ زن در خیابان‌های بروکسل همراه شدیم و شعار «همبستگی جنبش زنان!»، «بدن من حق من است!»، «بدن من انتخاب من است!» و ... را فریاد زدیم. «JoBee» خواننده جوانی که قرار بود شب برایمان برنامه اجرا کند نیز در همبستگی در کنار صف ما حرکت می‌کرد. خلایق سایر زنان تهیه پلاکاردها، تصاویر و شعارها جالب و رنگارنگ بود. برخی زنان در طی مسیر آواز می‌خواندند. برخی شعارهای سیاسی‌تری می‌دادند و برخی با لباس‌ها و آرایش‌های سمبولیک پیامی به دیگران مخابره می‌کردند. شور و هیجان جمع بالا بود و به‌وضوح اکثریت جمعیت را زنان جوان تشکیل می‌دادند. بلوک زنان در ابتدای صف تظاهرات بود و اتحادیه‌ها و احزاب و تشکلات مختلط از مردان و زنان هم در ادامه می‌آمدند. در انتهای تظاهرات در میدان لوکزامبورگ جمعیت با شور و شوق تظاهرات را به پایان بردند و برخی با نوای موسیقی آفریقائی شروع به رقص کردند و برخی از دوستان کارزاری نیز در این رقص پرشور همراه شدند. یکی از خوانندگان مشهور، جوان و مترقی بلجیمی (جوی) ترانه زیبایی که به مناسبت این روز ساخته بود را به جمعیت تقدیم کرد و سپس پیام کوتاهی از طرف مارش جهانی زنان خوانده شد و پس‌از آن فعالان کارزار به پودیم دعوت شدند تا پیام کوتاهی بدهند. ما نیز ضمن معرفی چهل سال جنبش زنان در ایران به راهپیمائی سمروزه و اهداف آن اشاره کردیم و جمعیت با شعار «همبستگی جهانی» ما را همراهی کرد. این در حالی بود که اصل پیام به زبان‌های فرانسه/ هالندی / انگلیسی در بین جمعیت توزیع شد. ما مجبور بودیم زودتر از اتمام برنامه میدان را ترک کنیم تا تدارک «جشن همبستگی» را ببینیم.

در مسیر رسیدن به محل تظاهرات «Leman» یکی دیگر از خوانندگان جشن امشب با ما همراه شد و در طی مسیر با نواختن گیتار همه را به وجد می‌آورد و ما نیز با همخوانی برخی از ترانه‌ها مثل «بلاچاو!» و ... او را همراه می‌کردیم. در تمام متروها و ایستگاه‌های ترام بی‌وقفه خواندیم و از یکدیگر نیرو گرفتیم. وقتی به محل «جشن همبستگی زنان» رسیدیم تیمی از فعالان و حامیان کارزار آماده بودند و تدارک کارها را دیده بودند. تمام روز چند رفیق مرد غذا را تدارک دیده بودند و منتظر ما بودند. چون معتقد بودیم حداقل هشت مارچ، روز حضور زنان در آشپزخانه نیست. دوستان دیگری تدارک نگهداری از کودکان را دادند و ... خیلی زود دوستانی به ما ملحق شدند و جمعی از سازمان‌دهندگان تظاهرات زنان با دادن شعار همبستگی و شعارهایی در مورد مبارزه با مردسالاری جهانی و ... وارد سالون شدند و جو سالون تغیر کرد، تعداد جمعیت به طرز باورنکردنی زیاد و متنوع و پرشور بود (بیش از ۳۰۰ نفر) برخی روی صندلی‌ها نشسته بودند و برخی در گروه‌های کوچک مشغول بحث داغ در مورد موضوعات مختلف و خصوصاً تظاهرات موفق آن روز بودند و همه خود را در این موفقیت سهیم می‌دانستند، جای خالی پیدا نمی‌شد و این تنوع و همبستگی همه را به وجد آورده بود. تظاهرکنندگان خسته با خوردن غذای لذیذ و نوشیدنی گرم تجدیدقواء کردند. باوجود این‌که معتقد بودیم روز زن «صحنه» (استیج) باید در اختیار زنان باشد اما مجدداً از شکیب مصدق خواهش کردیم برایمان بخواند تا سرودی که صبح به علت نقص تکنیکی نشنیده باقی ماند را بشنوم او نیز با دو ترانه زیبا برنامه را آغاز کرد، ترانه «شاید جهان بهتر شود» و ترانه‌ای در مورد جهان بدون مرز آغازی توفنده برای برنامه بود. مدراتور برنامه نیز با بیان اهداف کارزار و نتایج راهپیمائی سمروزه جمعیت را در جریان روند راهپیمائی این راهپیمائی قرار داد. «سیلویا ابالس» خواننده فمینیست مکسیکوئی با صدای زیبایش ترانه‌هایی به زبان‌های اسپانیائی و

فرانسوی اجراء کرد که به اشکال ستم بر زن اشاره داشت و یکی از آن‌ها مستقیماً وضعیت زنان مکسیکو را نشان می‌داد اما خلاف محتوای دردناک آن با ریتم زیبا جمعیت را به رقص وادار کرد خصوصاً این‌که زنان مبارز امریکای لاتین که در جشن حاضر بودند با این ترانه‌ها و با سیلوپا آشنا و همراه بودند. سیلوپا و گروه موسیقی‌اش که در همبستگی با جنبش زنان ایران آنجا حضور داشتند با آرزوی مبارزات رزمنده زنان صحنه را به «لمان» سپردند. لمان خواننده انقلابی و چپ ترک که برای شرکت در این جشن از المان به بلجیم سفر کرده بود نیز به خواندن آهنگ‌های انقلابی به زبان‌های انگلیسی، ترکی و کردی جمعیت را همراه کرد؛ نقطه اوج اجرای او زمانی بود که سرود «آفتابکاران جنگل» را به زبان فارسی اجراء کرد؛ او به شکل ویژه برای شرکت در این جشن تلاش کرده بود تا این ترانه را به فارسی بنوازد و بخواند و جمعیت فارسی‌زبان پرشور و شگفت‌زده او را همراهی کردند. او نیز با بهترین آرزوها برای جنبش انقلابی زنان صحنه را به «JoBee» خواننده پولندی الاصل سپرد. او هم بی‌معطلی ترانه‌های پرشوری اجراء کرد که جمعیت را به تحرک و رقص درآورد. ترانه «ادامه بده! نیست!» بهترین اختتامیه برای این جشن بود. باوجود این‌که همه تمایل داشتند که در این جمع پرشور، صمیمی و مبارزاتی بمانند ما مجبور بودیم که سالون را ترک کنیم. در کنار شور و نشاط و انرژی بخشی و ... آشنائی با جنبش زنان در ایران و همبستگی برای ادامه مبارزات زنان ایران علیه حجاب اجباری و سایر اشکال ستم بهترین دستاوردی بود که این جشن مبارزاتی داشت تا بتوانیم مبارز همن را با اتکاء به قدرت جنبش جهانی زنان و سایر مبارزان در سراسر جهان به پیش‌بریم.

فریبا امیرخیزی

۲۰۱۹/۰۳/۹









